

داستان کوتاه مداد اثر پائولو کوئیلو

پسری در حال تماشای مادر بزرگش بود که داشت نامه می نوشت.

پرسید: "داستانی درباره کارهایی که کرده ای می نویسی؟ این داستان درباره من است؟"

مادر بزرگش دست از نوشتن برداشت و به نوه اش گفت: "در واقع دارم درباره تو می نویسم، اما مهمتر از کلماتی که می نویسم این مداد است. امیدوارم وقتی بزرگ شدی مثل این مداد باشی."

پسر کنجکاوانه به مداد نگاه کرد. به نظر خیلی خاص نبود "اما درست مثل هر مداد دیگری است." "بستگی دارد چطور چیزها را ببینی. مداد ۵ ویژگی دارد، اگر سعی کنی بر آنها سماعت کنی، کسی خواهی شد که همیشه با دنیا در صلح و آرامش باشی."

ویژگی اول:

می توانی کارهای بزرگ انجام دهی، اما نباید هرگز فراموش کنی که دستی ترا هدایت می کند. این دست خداست و او همیشه تورا طبق اراده اش هدایت می کند."

ویژگی دوم:

هر از چندگاهی، باید دست از نوشتن برداری و از تراش استفاده کنی. تراش کمی از مداد را تلف می کند اما بعد تیزتر می شود. پس توهم همینطور، باید یادگیری دردها و غصه ها را تحمل کنی تا از تو فرد بهتری بسازند.

ویژگی سوم:

مداد همیشه به ما امکان می دهد تا از پاک کن برای کشیدن روی اشتباهات استفاده کنیم. این یعنی اینکه تصحیح لزوماً کاربدی نیست؛ آن کمک می کند تا در مسیر درست بمانیم."

ویژگی چهارم:

آنچه واقعاً در مداد اهمیت دارد نمای چوبی آن نیست، بلکه گرافیت درونش است. بنابراین همیشه به اتفاقات درونت توجه داشته باش."

بالاخره، ویژگی پنجم این مداد:

همیشه اثری به جا می گذارد. درست به همین صورت، تو باید بدانی که هر کاری که در زندگی انجام میدهی اثری بجا خواهد گذاشت، پس سعی کن از تاثیر هر عملت آگاه باشی.